



چرا شناخت اسمی امام زمان اهمیت دارد؟/ مراتب شناخت حضرت ولی عصر

حضرت امام صادق(ع) می فرماید شناخت امام در دو سطح است یکی «يَنْعِيهِ وَ صِقْتِهِ» که شناخت وصفی امام است، «وَ اسْمِهِ» که شناخت اسمی امام است.

حضرت امام صادق(ع) می فرماید شناخت امام در دو سطح است یکی «يَنْعِيهِ وَ صِقْتِهِ» که شناخت وصفی امام است، «وَ اسْمِهِ» که شناخت اسمی امام است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه بیست و سوم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

بحث ما پیرامون نام ها و اسامی امام عصر(ع) بود. نام اول «محمد» بود. در عین حال در باب نحوه نام بردن امام چهار طایفه روایت وجود دارد. یک طایفه از روایات دلالت بر حرمت می کرد که مطلقاً نام نبرید که سه مضمون روایت در آن وجود داشت. طایفه دیگری از روایات وجود دارد که می گوید تا زمان ظهور از آن نام نبرید که روایات آن را در جلسه قبل خواندیم و به آن اشاره کردیم.

اما قبل از اینکه این بحث را ادامه دهم شایسته است این روایت را بخوانم و این مسئله را روشن کنم. امام زمان اینهمه بحث دارد، اختصاص دادن وقت به بحث در مورد نام آن حضرت شایسته است؟ و این چه مشکلی را حل می کند؟

ما روایتی را از امام صادق داریم به معاویه ابن وهب که از اصحاب است. در باب معرفت امام حضرت به ایشان فرمودند «إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَ أَحَبَّهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِقَةُ الرَّبِّ وَ الْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ»؛ یعنی همانا با فضیلت ترین و ضروری ترین واجبات بر انسان، معرفت پروردگار و اقرار به بندگی اوست.

این شناخت زمانی شناخت حقیقی است که مرا به بندگی بکشاند. وقتی بخواهم بگویم خدا را به حسب واقع شناخته ام، یکی از جلوات وجودی حضرت حق این است که مولاست و مولا زمانی معنا پیدا می کند که در مقابلش بنده وجود داشته باشد و بنده زمانی می تواند بگوید بندگی کردم که حرف او را گوش بکند. نه اینکه بگوید من با خدا یک مناجاتی می کنم و تمرکزی می کنم پس بندگی کرده ام. این بندگی شیطانی است. بندگی آن است که آنچه حضرت حق می فرماید انتخاب بشود. اگر خود را بنده نمی دانم پس شناختم غلط است.

حضرت ادامه می دهد «وَ بَعْدَهُ مَعْرِقَةُ الرَّسُولِ وَ الشَّهَادَةُ بِالنَّبُوَّةِ»؛ یعنی و پس از معرفت پروردگار، معرفت رسول و اوست و گواهی و بر نبوت او.

حضرت می افزاید «وَ بَعْدَهُ مَعْرِقَةُ الْإِمَامِ الْإِذِي»؛ یعنی و پس از معرفت رسول خدا، معرفت امام است؛ با الیُسْر»؛ یعنی و پس از معرفت امام و نامش و صفت و نعت، که باید به او اقتدا کرد، در حال شدت و تنگی و در حال فراخی و وسعت.

لذا شناخت امام زمان بردار نیست. معرفت امام چه در شرایط رفاه و آسایش و چه در شرایط تنگ دستی و گرفتاری، وجوبش سقوط پیدا نمی کند. این مثل روزه و حج و... نیست که در شرایط مختلف احکام مختلف پیدا کند. در هیچ شرایطی معرفت امام ترک نمی شود.

نکته دوم این است که حضرت امام صادق می فرماید شناخت امام در دو سطح است یکی «يَنْعِيهِ وَ صِقْتِهِ» که شناخت وصفی امام است، «وَ اسْمِهِ» که شناخت اسمی امام است.

شناخت اسمی امام سه مرتبه دارد. شناخت اسمی امام یعنی همان شناخت شناسنامه ای امام. اسم وجود نازنین ایشان چیست؟ پدرشان کیست؟ لقبشان چیست؟ کنیه اش چیست؟ این یک روش شناخت است. آیا اثر هم دارد؟ بله؛ این شناخت به حسب روایتی است که پیامبر فرمودند.

پیامبر اسلام اوصیای خود را معرفی کرده است. از اول که وجود امیرالمومنین باشد تا آخر که امام زمان است. نامه همه را برده است. در همان حدیث مشهوری که به جابر می فرماید.

این چه ثمره ای دارد؟ ثمره اش این است که وقتی ما طایفه ای از شیعیان را داریم که چهار امامی هستند و به آنها می گوئیم که اصلاً نام زید در حدیث پیامبر نیامده است و آقایان به انحراف رفته اند. مثلاً ما به شیعیانی می رسیم که شش امامی هستند و اسماعیل ابن جعفر را امام خود می دانند، مشخص است که اشتباه کرده اند.

لذا شناخت اسمی جلوی بسیاری از انحرافات را می گیرد. آن روایت پیامبر روایتی صحیح السند است و آن می تواند شاخصه ما باشد.

یک مرحله از شناخت اسمی نشانه های تکوینی و ظاهری امام است. شکل و قد و خلق و خوی و... است. مثلاً امام زمان شباهت ظاهری و باطنی به پیامبر دارد.

حضرت باقر در روایتی در پاسخ به یکی از صحابه که اسم صاحب امر را پرسیده بود می فرماید: «سألتنی عن أمر لو أن بنی فاطمة عرفوه لحرصوا علی أن یقطعوه بضعة بضعة»؛ یعنی تو چیزی را از من پرسیدی که اگر، بنی فاطمه، آنرا بدانند و بشناسند دلشان می خواهد او را قطعه قطعه کنند.

یعنی حضرت در میان بنی فاطمه هم امنیت نداشتند مثلاً مانند کاری که جعفر کذاب انجام داد. بنابراین طایفه سوم از روایات می فرماید که نامش را نبرد مادامی که خوف وجود داشته باشد و در تقیه باشند. یعنی عده ای در طلبش بر می آیند یعنی جان امام به خطر می افتد.

طایفه چهارم از روایات می گوید که جایز است اسم امام زمان یعنی همان نام «محمد» را ببریم. این نام بردن به پنج شکل در متون ما دیده شده است.

یک نوع متن است که قبل از ولادت امام عصر است. پیامبر حدیثی دارند که همان حدیث معرف جابر است که یکی پس از دیگری ائمه را نام می برند تا اینکه به آخری می رسند. پیامبر می فرماید: «مهدی أمتی محمد الذی یملا الأرض قسطاً و عدلاً»؛ پیابر به نام آن حضرت اشاره می کنند.

حضرت علی نام دوازده خلیفه را که می آورند می فرماید: «فإذا حضرته الحسنة الوفاء فلیسلمها إلی ابنه محمد»؛ وقتی حسن عسکری وفات می یابد امانت را به پسرش محمد تقدیم می کند. اسم را ذکر کرده است.

حدیث سوم در احتجاج طبرسی از رسول اکرم روایت شده که حضرت فرمود از جبرئیل شنیدم: «ثم إنَّ القائمُ یالحقُ مَهْدی أمتی مُحَمَّد بنِ الحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمانِ»؛ اینجا هم به نام حضرت اشاره شده است.

حدیث چهارم از حضرت صادق است. حضرت فرمود: «الخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِ هُوَ المَهْدِی، إِسْمُهُ مُحَمَّد وکُنْیَتُهُ أَبُوالقاسِمِ یُخْرَجُ فی آخِرِ الزَّمانِ یقالُ لِأُمَّه صَقیل.»

حدیث آخر در این طایفه از روایات که مربوط به قبل از ولادت امام زمان است، این است که حضرت عسکری به حضرت نرجس خانوم می فرماید: «ستحملین ذکراً واسمه محمد وهو القائم من بعدی»؛ یعنی تو پسری بارداری که اسمش محمد است و او قائم بعد از من است.

پس در طایفه ای از روایات هست که قبل از ولادت امام است که به آن اشاره کردیم.

طایفه دوم روایاتی هستند که در زمان ولادت امام زمان به آن اشاره شده پس طبیعتاً از وجود نازنین امام عسکری است.

ابراهیم کوفی می گوید که به دستور امام برای من بخشی از گوشت گوسفند آوردند و بیان آن کسی که فرستاده امام بود این بود: «هذا من عقیقة ابنی محمد»؛ این بخشی از عقیقه پسر محمد است.

حدیث دوم در این زمینه، آن نوشته ای است که بر مزار مادر بزرگوارشان است مرحوم صدوق در کمال الدین می گوید بر قبر حضرت نرجس خاتون اینطور نوشته شده که: «هذا قبر ام محمد»؛ این قبر مادر محمد است. خب

حکایت از این معنا می کند که در زمان ولادت نامش برده می شده است. مزار حضرت نرجس خاتون در همان سامرا است ولی جای مشخصی را ذکر نکرده اند. علی القاعده چون حضرت در حصر بودند باید قبرشان در همان محوطه حرم باشد.

طایفه سوم از متونی که ما می توانیم به آن روح کنیم کلام دانشمندان شیعه است. شیخ صدوق، مرحوم اربلی، بزرگان ما به مناسبت گاهی به نام محمد اشاره کرده اند.

شیخ مفید در الرساله فی غیبه وقتی می خواهد امام عصر را معرفی کند می نویسد؛ «محمد ابن الحسن العسکری و انه المهدي المنتظر خروجه فی آخر الزمان و انه غائب بعد فترة من ولادته»؛ یعنی نام را برده اند.

سید مرتضی در اعتقادات شیعه اینگونه بیان می کنند؛ «وَ يَذْهَبُ الْإِمَامِيَّةُ - بِأَجْمَعِهِمْ - إِلَى أَنَّهَا يَلْتَصُّ الْجَلِيَّ عَلَى الْأُئِمَّةِ الْإِثْنِيَّ عَشَرَ أَوْلَاهُمْ عَلَى بَنِي أَبِي زَيْنَبٍ وَ طَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ الْمُهَدِيِّ الْمُنْتَظَرِ.»؛ یعنی اعتقاد امامیه - بنا بر نص آشکار- این است که امامان دوازده نفرند؛ نخستین ایشان علی بن ابی طالب علیهما السلام و آخرین آنان، محمد فرزند حسن، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر است.

جناب اربلی صاحب کتاب کشف الغمه می نویسد؛ «وَأَمَّا اسْمُهُ فَمُحَمَّدٌ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ وَ لَقَبُهُ الْحُجَّةُ وَ الْخَلْفُ الصَّالِحُ وَقِيلَ الْمُنْتَظَرُ.»؛

این هم کتاب دانشمندان شیعی در مورد نام امام زمان بود.

برخی از ادعیه که مربوط به امام زمان است متن چهارم ماست که اسم امام زمان در آن ذکر شده است.

ما دعایی می خوانیم که به دعای فرج مشهور شده است اما دعای سلامتی امام زمان است. آنچه که بین مردم مشهور است این است که می گویند؛ «اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن»؛ و لقب را می آورند.

یکی از منابع و مصادر کتاب دعای ما کتابی به نام مصباح اثر کفعمی است. وی این دعا را اینگونه نقل می کند که؛ «اللهم کن لولیک محمد ابن الحسن المهدي فی هذه الساعة»؛ در آن نقل که قابل اعتماد هم هست اینگونه نقل شده است.

در بلد الامین آمده است؛ «و استلک بحق محمد ابن الحسن القائم بامرک»؛ آمده است که این کتاب هم از کتاب های معتبر است.

علامه مجلسی در زیارت آل یس اینگونه نقل می کند؛ «اللهم صل علی محمد ابن الحسن الحجتک فی ارضک.»؛

پس در متون دعایی ما هم نام مبارک امام زمان برده شده است.

آخرین متنی که اسم مبارک حضرت را بیان می کند گفتار دانشمندان اهل سنت است.

ابن کثیر در البدایه و النهایه، ذهبی در سیر اعلام النبلاء، در سنن ابی داوود، اسم مبارک حضرت مهدی به نام محمد آورده شده است.

از جمع بندی بین این چهار روایت این است که ما قاعده ای در مورد جمع بین روایات داریم که می گوید؛ «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»؛ یعنی مادامی که جمع امکان داشته باشد شایسته تر است از اینکه ما برخی از روایات را کنار بگذاریم.

برخی از این روایات تاکید داشت که نباید اسم برده شود، برخی از روایات تاکید داشت که باید تقیه کرد، برخی از روایات هم تاکید داشت که اسم برده شود.

جمع اینها این است که بگوییم آن روایاتی که می گفت اصلا نام نبر و یا تا ظهور نام نبر، اینها را جمع کنیم که عدم جواز

در مورد نام بردن مربوط به یک ملاک است و آن تقیه است. اگر ترسی وجود داشته باشد گفته اند نام نبر و اگر ترسی وجود نداشته باشد، مثل دوره ما که هیچ ترسی هم وجود ندارد به راحتی می شود اسم حضرت را برد.

ما موظفیم به عنوان اولین مرتبه از مراتب شناخت به شناخت اسمی برسیم و شناخت اسمی در جای خودش راهگشا و کارگشاست. مرتبه بعدی شناخت ویژگی های امام است. شناخت اوصاف امام هم این است که امام چه کسی است و جایگاهش چیست که عالی ترین آن در زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه آمده است. این دو زیارتنامه که از حضرت هادی(ع) روایت شده است هر دو در شناخت امام و امامت به ما کمک می کند.

لذا شناخت امام سطح بندی دارد. گام اول معرفت اسمی است و گام آخر این است که من عبارات جامعه کبیره را بفهمم.

اگر ما بحثی را در مورد اسم امام داریم و اینکه نحوه خاصی در نحوه نام بردن وجود داشته به این خاطر است که اولین مرتبه شناخت امام معرفت اسمی امام است.